

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

زنان و مردان

عاشق چه کسی می شوند؟

نویسنده : ا. کیهان نیا

ناشر : انتشارات مادر

کیهان نیا، اصغر، ۱۳۱۹ -

زنان و مردان عاشق چه کسی می شوند؟ / نویسنده ا. کیهان نیا. -
تهران: مادر، ۱۳۸۴.
۱۵۵ ص.

ISBN : 964 - 5677 - 27 - 0 : ریال ۱۴۵۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱. زناشویی - روابط. الف. عنوان.

۶۴۶ / ۷۸

HQ ۷۴۳ / ۹۳ ر ۹۳

م ۸۴ - ۱۰۹۱۴

کتابخانه ملی ایران

زنان و مردان

عاشق چه کسی می شوند؟

نویسنده: اصغر کیهان نیا

ناشر: مادر

ویراستار: عزیزالله صالحی مقدم

طرح روی جلد: آیدآ ذوقی

حروفچین و صفحه آرا: افسانه قنبری

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۴

لیتوگرافی: باران

چاپ: محرر

صحافی: علایی

قیمت: ۱۴۵۰۰ ریال

نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان شهید صائعی، شماره ۸

تلفن: ۸۸۷۷۵۸۳۰ نمابر: ۸۸۷۷۴۱۹۴

سخن نخستین

گویند سر عشق نگویند و نشنوید مشکل حکایتی است که تقریر می کنند
«حافظ»

زن و شوهر دو زوج مکمل اند. اینان سنت نبی اکرم را به جای آورده اند و با ازدواج می روند که حیات دمنده ای را رقم بزنند که نه تنها سعادت و شکوهمندی بزرگی برای خود فراهم سازند، بلکه فرزندانی برومند و شاداب به جامعه تحویل دهند و این دو رسالت مهم ممکن نمی شود، مگر در سایه فهم و درک یکدیگر. تنور رابطه ها گرم نمی شود، مگر در سایه اندیشه و تفکر. قلبها به یکدیگر نزدیک نمی شود، مگر در سایه ایثار، زندگی ها به تفاهم و یکرنگی نمی رسد، مگر در سایه شناخت خود و همسر.

آلفرد آدلر می گوید: «انسان رابطه گراست و نیاز به حشرونشر دارد. با حرف زدن و با گوش دادن نیازهای روحی و روانی اش برطرف می شود، زیرا اجتماعی به دنیا آمده و زندگی در اجتماع به او امنیت می دهد.» اریک فرام می گوید: «انسان از لحظه ای که به دنیا می آید تا آن دمی که از جهان می رود، هرکاری که می کند در جهت رفع احساس تنهایی اش می باشد. عشق می ورزد تا عشق دریافت کند. می بخشد تا مهر و محبت عایدش شود. مهمانی می دهد تا مدح و ثناء دست و پا کند. در جمع حضور پیدا می کند، زیرا از تنهایی وحشت دارد.

به دنبال همدلی است ، زیرا به مونسى قابل اطمینان نیاز دارد . در فکر پیدا کردن همدمى است ، زیرا نیاز به جفت دارد . در فکر تسخیر قلبها است ، زیرا فتح کردن را دوست دارد . با سلیقه ، عقیده و باورهایش عاشق مى شود ، بدون اینکه بداند ناخودآگاه به چه راهى کشیده شده است .

نیاز به جفت منحصر به بشر نیست . پرندگان ، حشرات و پروانه ها همه و همه جفتى دارند . عاشق مى شوند و با خواندن ، ندای عاشقانه سر مى دهند و تولیدمثل مى کنند تا بقای طبیعت تداوم یابد ، ولی انسان که اشرف مخلوقات است ، شرایط ویژه اى دارد .

اعتیاد عاطفى

اریک فرام مى گوید : « انسانها توانایی آن را دارند که همدیگر را با انگیزه های معنوى و بدون هرگونه تمایلات جنسى ، منفعت طلبى و خودخواهى دوست بدارند . » اگر از عشق های به محارم و نزدیکان صرفنظر کنیم ، آیا ممکن است کسى بدون تمایلات جنسى کسى را دوست بدارد ؟ آیا ممکن است فاکتور منفعت طلبى و احساس مالکیت را در دوستى ها به فراموشى بسپاریم و اگر چنین اتفاقى افتاد آیا ما حق داریم که بگوییم عشق بی آلايش يعنى دوست داشتن در حد متعالی؟ و اگر به این درجه از رشد و شکوفایی عقلی و احساسی رسیدیم ، حق داریم که بگوییم به دوافتخار زیرنائل گردیده ایم :

الف : بر عزت نفس مان افزوده شده و در نتیجه احترام به خودمان زیادتر شده است .

ب : به وحدت وجود می رسیم ، یعنی با دوست داشتن هویت شخصی خود را از دست نمی دهیم .

چنین عاشقی اجازه رشد ، بالندگی و شکوفایی را به طرف مقابلش می دهد ، یعنی به عنوان پشتیبانی استوار تلاش می کند که معشوق به توانمندی درونی برسد ، زیرا می داند کسی که از درون توانمند شد ، قادر است به دیگران توانمندی ببخشد .

پس عاشقی که میل دارد معشوق به روش او تصمیم بگیرد ، کماکان درگیر « من » خودش است و احساس مالکیت سراسر وجودش را فرا گرفته است . عاشقی که دائماً تلاش می کند که معشوق را تغییر دهد ، از احترام به خود محروم و هنوز نمی داند که عاشق واقعی ، معشوق را همانطور که هست می پذیرد . برانند می گوید : « عشق و عاطفه به هیچ وجه نمی تواند جایگزین هویت انسانی شود » یعنی شما ضمن اینکه شخصی را دوست دارید ، هویت خود را از دست نمی دهید ، ولی دیگر فلاسفه اعتقاد دارند اگر شما عاشقی شیدا و دلداده ای بی چون و چرا باشید حرمت به خود را از دست می دهید .

یعنی به جای عشق به طرف مقابل تان ، اعتیاد به او پیدا می کنید ، زیرا دیگر هویتی برای شما باقی نمانده که در پناه آن استقلال خود را حفظ کنید . در این صورت اگر خللی به رابطه شما وارد شود ، دچار افت روحی و روانی شده و تا مرز از خود بیخود شدن پیش می روید . خودکشی ها ، اسیدپاشی ها و متنفر شدن ها از معشوق ، همه و همه ناشی از دست دادن هویت است . اگر عاشقی ارزش و احترام لازم را برای خود قائل باشد ، به یقین جدایی ها را فاجعه نمی پندارد و دست به اعمال جنون آمیز نمی زند . پس اگر بخواهید عاشقی معرفی شوید که عشق اصیل و سالم را می شناسد ، باید ضمن احترام به خود ، به عقیده ، سلیقه و علاقه های معشوق خود احترام بگذارید و این مهم میسر نمی شود ، مگر طرفین از یک رشد درونی و غنای معنوی برخوردار باشند .

از نظر روانشناسان اعتیاد عاطفی چیزی شبیه اعتیاد به مواد مخدر یا اعتیاد به مشروبات الکلی است که شخص فقط به حکم نیاز به طرف او جذب می شود . پس فقر معنوی در عاشق باعث می شود که به شدت به معشوق وابسته شده و در خیلی از موارد آویزان او شود و اگر به دلایلی رابطه اش قطع یا تضعیف شود معتاد عاطفی دچار چالش های شدیدی می شود و همانند معتادی که او را از مصرف مواد مخدر منع کرده اند ، در تب و تاب می افتد .

عاشق واقعی نه کسی را استعمار می کند و نه مستعمره کسی می شود . کسی که استقلال رأی و نظر دارد ، نه ملک طلق کسی می شود و نه احساس مالکیت بر دیگری دارد . اغلب کسانی که مایلند مستعمره نفرت انگیز دیگران بشوند باید در تفکر خود تجدید نظر کرده و تلاش نمایند تا دوباره هویت انسانی خود را بازیابند .

برای اینکه نتیجه گیری مختصری از این بحث بسیار پیچیده و هزاران گفته و نوشته شده بگیریم ، مشخصات عشق اصیل را برمی شماریم :

عشاق واقعی ضمن احترام به خود ، به ارزش و اعتبار معشوق بها می دهند . هرکدام در فکر رشد و بالندگی دیگری می باشند . فرق عشق را با دوست داشتن می دانند و حساب این دو را از هم جدا کرده اند . در عین اینکه یک دل و یک دلبرند ، قادرند دیگران را دوست بدارند و برای امنیت یکدیگر تلاش کنند و بالاخره قدرشناس یکدیگر باشند . با این ترتیب نهال عشق که در ابتدا نارس بود ، تدریجاً همه وجود عاشق و معشوق را در بر می گیرد و به درخت تنومندی با ریشه های مقاوم تبدیل می شود .

پیشنهاداتی که در این کتاب به شما شده حاصل سالها تلاش اینجانب در امر مشاوره زناشویی است .

بیشتر نکات و تکالیفی که به عهده شما گذاشته شده مستقیماً جزء خواسته هایی بوده که زنان و مردان زیادی در دفتر کارم مطرح کرده اند. پس هیچکدام از آنها فرضی، تئوری و سلیقه ای نیست که شما در انجام آنها تردید بنمایید. اگر می خواهید زندگی سعادتمندی داشته باشید، انجام این پیشنهادات و نکات باریکتر از مو به این هدف شما کمک شایانی خواهد کرد.

جبهه منزل بی شک یکی از مهمترین جبهه های زندگی است، زیرا آرامش و سکون در این جبهه بی چون و چرا تأثیر مستقیمی روی سایر جبهه ها دارد.

پس اگر زن و مرد پیوسته تلاش کنند که خانه محیطی امن باقی بماند، قطعاً همه اعضای خانواده در سلامت فکر و روح و روان به سر خواهند برد و من هم به هدف خودم که استحکام خانواده ها است، خواهم رسید.

دوستدار شما - کیهان نیا